

تلاش بیشتر برای ممتاز شدن

گفتگو با

آقای سید محمد رضا فاطمی

مدیر عامل بانک بین المللی سپه

اولین مدیر مسئول مجله حسابرس



حسابرس

مجله حسابرس در آغاز سال ۱۳۹۸ و با انتشار یکصدمین شماره خود، با یاری خداوند خالق و مهربان، و با همراهی پایدار دانشوران، صاحب نظران و دست اندرکاران حرفه، دور جدیدی از فعالیت رسانه‌ای خود را پی خواهد گرفت. زندگی مکتوب مجله حسابرس با عزم و پشتیبانی جناب عالی، در دوران تصدی شما در سازمان حسابرسی، آغاز شد و شما «بانی» و «اولین مدیرمسئول» این نشریه بودید. نشریه حسابرس در نظر دارد در نشریه‌ای که به مناسبت یکصدمین شماره منتشر می‌شود، دیدگاه و نظرات شما را منعکس سازد. در این فرصت مغتنم، اجازه می‌خواهیم پرسشهایمان را برای جشن تداوم فعالیت «حسابرس: تا صد شماره»، با شما در میان بگذاریم.

آرزوی
انتشار
پانصدمین شماره
مجله
را بهتر و
پربارتر
داشته باشیم

ابتدا بفرمایید که ایده داشتن یک مجله در کنار انتشارات سازمان حسابرسی که همگی به صورت کتاب منتشر می شدند، از چه سالی و چگونه شکل گرفت؟

فاطمی

از این که فرصتی را به عنوان اولین مدیرمسئول مجله حسابرسی در اختیار اینجانب قرار دادید تا بتوانم با مخاطبان محترم گفتگو کنم، سپاسگزارم.

ابتدا اجازه می خواهم تا انتشار یکصدمین شماره مجله وزین حسابرسی را خدمت شما عزیزان و همه استادان و محققان محترم و پژوهندگان و دست اندرکاران تهیه و انتشار مجله، تبریک و تهنیت عرض کنم و همچنان که مرحوم استاد جمشید ارجمند، ویراستار ارزشمند مجله «حسابدار» و «حسابرس» و بسیاری متون دیگر، به هنگام انتشار پنجاهمین شماره مجله فرموده بود، آرزوی انتشار پانصدمین شماره مجله را بهتر و پربارتر داشته باشم. همچنین از بزرگان، پیشکسوتان و استادانی که برگردن حرفه و اعضای حرفه حسابداری و حسابرسی کشور حق داشته و دارند و اینک در بین ما نیستند، یادی کرده باشیم و غفران و رحمت واسعه الهی را برای آنها مسئلت نمایم.

اما برای پاسخ به پرسش شما باید بگویم که؛ از همان اوان دوران دانشجویی و اشتغال به کار حرفه‌ای، همواره مجله‌های بسیار محدود حرفه‌ای را که منتشر می شد، مطالعه می کردم و همیشه آرزو داشتم ماهم همچون دیگر کشورهای پیشرفته، مجله‌های حرفه‌ای منظمی داشته باشیم. به محض قبول مسئولیت در سازمان حسابرسی، این آرزو و نظر را با همکاران محترم در سازمان و استادان و محققان مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی در میان گذاشتم که خوشبختانه مورد استقبال قرار گرفت. در ضمن در جامعه حرفه‌ای هم، این نیاز به شدت احساس می شد و از سویی، در زمره وظایف و هدفهای سازمان حسابرسی نیز قرار داشت و من این مهم را یکی از مأموریت‌های خود تلقی کردم (بند «ط» ماده ۷ قانون اساسنامه سازمان).

ما برای اشاعه، ارتقا و انتشار هدفهای حرفه‌ای، و تبادل نظر با

کمک کنند و بحمدالله این کمک و مساعدت تاکنون نیز تداوم یافته است.

در هیئت تحریریه قرار گذاشتیم، بخشی را نیز به تاریخچه حرفه در ایران و جهان و همچنین آشنایی با پیشکسوتان حرفه اختصاص دهیم. طبیعی بود که بعضی از ایشان به رحمت ایزدی رفته بودند و بر ما بود که با تهیه مقاله‌هایی یادشان را زنده نگهداریم. بعضی از بزرگان در قید حیات بودند، اما از طرح تدوین مطلبی در مورد خودشان امتناع می‌کردند. به هر حال کار ساده‌ای نبود. ولی بحمدالله اگر نگاهی به شماره‌های مجله انداخته شود، دوستان تصدیق خواهند فرمود که تا حدودی موفق بوده‌ایم.

به هر حال همان‌گونه که پرسیدید، به چند خاطره به‌طور مختصر اشاره می‌کنم. استاد **حسن سجادی نژاد** رئیس و بنیانگذار دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت ملی نفت ایران، که حقیقتاً حقی فراموش ناشدنی بر گردن حرفه دارند، همواره ما را به داشتن جامعه و تشکل حرفه‌ای ترغیب و تحریص می‌کردند و می‌فرمودند که حرفه بدون داشتن تشکل و جایگاه حرفه‌ای در جامعه پیشرفت نمی‌کند و قوام نمی‌یابد. هم ایشان بود که به داشتن مجله‌های حرفه‌ای تأکید می‌فرمود، و خود ایشان هم در تمامی زمینه‌های آموزشی، تألیف و تدوین کتابها و مقاله‌های حرفه‌ای پیشقدم و کوشا بودند.

خداوند رحمتشان کند. متأسفانه ایشان در بین ما نبود تا ثمره توصیه‌های خود را مشاهده کند و نتیجه تلاش شاگردانش را در تمامی زمینه‌ها، از جمله انتشار مجله، ببیند. بحمدالله در شماره دوم مجله یاد و نام ایشان گرامی داشته شد.

در اولین شماره مجله نیز یاد استاد **اسماعیل عرفانی**، پیشکسوت حرفه حسابداری و حسابرسی، و مؤلف کتابهای **حسابرسی و حسابداری مدیریت** در سه جلد، و همچنین واضح بسیاری از اصطلاحات حسابداری و حسابرسی از

دست‌اندرکاران حرفه، و نظرخواهی و مشارکت‌دادن ایشان، و در نهایت، افزایش مستمر سطح دانش تخصصی اعضای حرفه، به یک‌وسیله ارتباطی مؤثر نیاز داشتیم و به همین دلایل، دریافت مجوز و انتشار مجله علمی حرفه‌ای را در دستورکار قرار دادیم؛ به‌خصوص آن‌که در آن روزها تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی ملی به‌صورت جدی در سازمان پیگیری و نیاز به این‌وسیله ارتباطی بیش از پیش احساس می‌شد.

بحمدالله پس از ماه‌ها، بلکه سالها تلاش مستمر و پیگیر، موفق به دریافت مجوز فصلنامه حسابرس شدیم. در شماره‌های اولیه مجله، به بسیاری از هدفها، اقدامها و پیگیریهای به‌عمل آمده اشاره شده است، که برای جلوگیری از اطاله کلام از تکرار مجدد آنها پرهیز می‌کنم. فقط یادآور شوم که حاصل تلاش پیگیرمان، این شد که مکاتبات اولیه برای گرفتن مجوز از دی ماه ۱۳۷۱ آغاز شود و سرانجام پس از قریب به هفت سال، در مردادماه ۱۳۷۷ موفق به دریافت پروانه انتشار شویم که اولین شماره فصلنامه در زمستان ۱۳۷۷ منتشر گردید.

حسابرس

قدری برایمان از بزرگان پژوهشگری صحبت بفرمایید که در آستانه انتشار مجله حسابرس و اولین شماره‌ها، توجه، علاقه و همکاری آنها را برای قلم‌زدن و ارائه مقاله و مطلب در این مجله جلب کردید. می‌دانیم که آن روزها، روزهای خاصی در زندگی شماست. خاطره شاخصی اگر با طرح این پرسش به یادتان آمده است، خوشحال خواهیم شد که آن را برای ما و خوانندگان مجله نقل کنید.

فاطمی

همه خوشحال بودیم و نشاط خاصی در سازمان و به‌خصوص در مرکز تحقیقات حاکم بود. از همه عزیزان و استادان و محققان و پژوهشگران داخل و خارج از سازمان، به‌خصوص دانشکده‌های حسابداری، استمداد کردیم تا با ارسال مقاله به بارور شدن مجله

مکاتبات اولیه برای

گرفتن مجوز

از دی ماه ۱۳۷۱ آغاز

و

سرانجام در

مردادماه ۱۳۷۷

پروانه انتشار صادر

و

اولین شماره فصلنامه

در زمستان ۱۳۷۷

منتشر شد

جمله، کلمه «حسابرس» و «حسابرسی» گرامی داشته شد.

از دیگر استادان و پیشکسوتانی که علاقه‌مند به درج بزرگداشت ایشان در مجله بودم، جناب آقای دکتر فضل‌الله اکبری بودند که بر همه فضل تقدم و مقام استادی داشتند. ایشان برای هر شماره مقاله‌هایی را به «حسابرس» ارائه می‌فرمودند که زینت‌بخش شماره‌های مختلف مجله شد. لکن هر چه از ایشان خواهش می‌کردیم که مطلبی نیز در مورد خودشان بنویسند و یا اجازه مصاحبه بدهند، با بزرگواری و متانت و تواضع امتناع می‌کردند. سرانجام اصرار بیش از حد و خواهش‌های مکرر من مثمر ثمر واقع شد و چون به بنده لطف داشتند، پذیرفتند و مطلبی را با عنوان «اکنون نوبت من نیست»، برای چاپ در مجله ارائه فرمودند که در شماره سوم چاپ شد و مورد استقبال وسیع قرار گرفت. روحشان شاد و یادشان سبز باد.

از دیگر عزیزانی که برگردن مجله حق مضاعف دارند، باید از مرحوم استاد مصطفی علیمدد نام ببرم. من مطلبی را در مورد ایشان نوشتم که در سرمقاله شماره ۵۹ مجله چاپ شد. ایشان هم در کارها بسیار دقیق، پرکار، خوش‌قلب، کمک‌کار و یار همه بود. بیشتر اهل عمل بود و به همه کمک می‌کرد. یادونامش گرامی باد.

مرحوم دکتر غلامرضا اسلامی بیگدلی هم در چندین شماره از مجله، مسئولیت تدوین و ترجمه مقاله‌های پیشکسوتان و نام‌آوران بین‌المللی حرفه را به عهده گرفت و الحق در این کار موفق بود، خداوند رحمتش کند.

از جمله دیگر پژوهشگران، باید از مرحوم حبیب‌الله تیموری، دکتر احمد زینی و استادان و محققانی یاد کرد که اینک در بین ما نیستند و نام و یادشان زنده است. همچنین باید برای سلامتی و موفقیت روزافزون عزیزانی که در حال حاضر با صرف وقت و تلاش فراوان به بارور شدن حرفه و مجله کمک می‌کنند، دعا کرد. به خصوص شورای مدیریت، اعضای هیئت تحریریه، سردبیر محترم و مدیر اجرایی پرکار و دلسوز مجله که خداوند همه آنها را در پرتو توجه خویش قرار دهد.

در خاتمه باید از مرحوم آقای جمشید ارجمند که سالها ویراستاری مجله‌های «حسابدار» و «حسابرس» را به عهده داشت، یاد کنم و از درگاه ایزد متعال برای شادی روح ایشان که برگردن حرفه ما حق دارد، طلب

آمزش و رحمت نمایم.

اکنون که فکر می‌کنم، اگر بخواهم از تمامی پیشکسوتان و گذشتگان و استادان و پژوهشگران در قیدحیات نام ببرم، به تعبیری مثنوی هفتادمن خواهد شد و این مختصر کفایت نخواهد کرد. از این رو، از همه کسانی که نامشان را نبرده‌ام، پوزش می‌خواهم و برایشان سلامتی، تندرستی و توفیق ادامه خدمت آرزو می‌کنم.

اما چگونه می‌توانم از استادالاساتید جناب دکتر محمدعلی موحد نام ببرم و یاد او را یادآور نشوم که سخت تحت تأثیر شخصیت، منش، رفتار، نوشتار و افاضات ایشان هستم. خداوند ایشان را به سلامت نگاه دارد؛ انشاءالله. دوم خرداد سالروز مبارک تولد ایشان است.

ساجد

اجازه دهید در مورد موضوع مهمی پرسش‌مان را با شما در میان بگذاریم و آن موضوع وقت و زمانی است که اصحاب حرفه حسابداری و حسابرسی، برای مطالعه در حوزه‌های تخصصی و عمومی تخصیص می‌دهند. این موضوعیست که همواره مورد پرسش دست‌اندرکاران حوزه چاپ و نشر است.

ما می‌دانیم که مطالعه، به خصوص مطالعه کاغذی، جزو علایق و خصوصیات شخصی شماست. چگونه این خصلت را در خود ایجاد کرده‌اید و با وجود حجم فراوان مشغله‌های کاری و مسئولیتهای شغلی خود، آن را حفظ کرده و ارتقا داده‌اید؟

فاطمی

برای پاسخ به این پرسش شما، می‌خواهم بگویم که در مورد تخصیص وقت و زمان برای مطالعه، نمی‌توان به صورت عمومی قضاوت کرد. چه بسا بیشتر دست‌اندرکاران حرفه، اهل مطالعه هستند ولی ممکن است به صورت مرتب، هدفمند

و سازمان‌یافته نباشد. برای مثال، افراد این روزها ممکن است وقت زیادی را در فضای مجازی صرف کنند که در گذشته‌ها این مدت زمان را صرف مطالعه روزنامه‌ها و مجلات و یا تماشای فیلم و سینما و تلویزیون می‌کردند که هر یک، تأثیر خاص خود را داشته است.

اما این‌که فرمودید علاقه من به مطالعه چگونه ایجاد شد؛ این به گذشته‌های دور و دوران دانش‌آموزی من برمی‌گردد. همان‌گونه که می‌دانید، بدون شک محیط خانواده و تحصیل و اجتماع، تأثیر غیرقابل‌انکاری در شکل‌گیری آموزه‌های تربیتی هر فردی دارد و در مورد من نیز استثنا نبوده است.

در دوران کودکی من، وسایل ارتباط جمعی امروزی وجود نداشت و یا بسیار محدود بود. خانواده‌ها، به خصوص شبها، دور هم جمع بودند و بیشتر از امروزه، با هم معاشرت می‌کردند. فضای خانه‌ها هم به صورت کنونی جدا از هم نبود.

هنوز به روشنی به یاد می‌آورم که چگونه مرحوم پدرم در شبهای طولانی زمستان، شاهنامه و در مناسبت‌های مختلف کتابهای دیگر را برایمان می‌خواندند و همه اهل منزل گوش می‌سپردند. دیوان حافظ به تقریب در بیشتر خانه‌ها به همراه قرآن و مفاتیح‌الجنان وجود داشت و در بیشتر مواقع خوانده می‌شد، و گرفتن فال حافظ مرسوم بود. داستانهای هزارویک‌شب و یا دیگر کتابهای تاریخی و روایی هم به مناسبت، خوانده می‌شدند. در ماه محرم هم به‌طور معمول مختارنامه و یا مقتل می‌خواندند.

البته حساب ماه رمضان جدا بود. در این ماه، اوقات اهل خانه و به خصوص بزرگان، بیشتر صرف خواندن قرآن و دعا می‌شد. در منازل قدیمی، طاقچه‌هایی در اطراف اتاقها وجود داشت که وسایل ارزشمند را در آنجا می‌گذاشتند. ما دو

نباید از

پیشرفت‌ها و

اقدام‌های منطقه‌ای

غافل ماند

چه بسا

موجب رقابت سالم

و

پیشرفت حرفه

در کشور شود

طاقچه داشتیم که مخصوص کتاب بود، و البته در دسترس همه قرار داشت که این هم، خود نوعی تشویق به مطالعه و کتابخوانی بود. مرحوم دایی من که از این جهت بر من تأثیر خاصی داشتند، اهل ذوق و هنر و مطالعه بودند. ایشان بیشتر از اندازه معمول کتاب داشتند. دو اشکاف را به کتابخانه اختصاص داده بود، و چون خود گاهی نیز شعر می‌سرود، بعضی دیوانهای شعر را هم در کتابخانه خود داشتند که ما هم از ایشان امانت می‌گرفتیم و مطالعه می‌کردیم.

این الگوی زندگی باعث شد که من از همان ابتدای دوره دانش‌آموزی، کتابخانه کوچکی برای خود درست کنم و بعضی کتابهای داستانی و غیره را که می‌توانستم و در دسترس بود، خریداری و نگهداری کنم. بعدها که به دبیرستان رفتم، این تأثیر بیشتر شد، و این به‌خاطر دبیرادبیات بسیار ارزشمندی بود که داشتیم. ایشان ما را به مطالعه بیشتر و بهتر راهنمایی و تشویق می‌کرد. این دبیر گرانقدر استاد، مورخ و ادیب عالیقدر، مرحوم **علی اصغر فقیهی** بودند که خداوند رحمتشان کند و اعلاء‌علیین جایگاهشان باد. از استاد فقیهی افزون بر کتابهای درسی، مانند دستور زبان فارسی و دستورانشای فارسی و غیره، کتابهای ارزشمند دیگری هم بر جای مانده است که جای دارد به‌سبب حق استادی که برگردن من دارند، بعضی از آنها را نام ببرم: «شاهنشاهی عضدالدوله»، «تاریخ آل بویه»، «تاریخ و عقاید وهابیان»، «تاریخ و جغرافیای اسلامی»، و آخرین اثر بی‌نظیر ایشان ترجمه «نهج‌البلاغه با شرح محمد عبده» است که بارها به‌چاپ رسیده است.

باری، غرض نشان دادن تأثیر استاد در الگوپذیری شاگردان است که به آن اشاره کردم و البته در دوران دانشجویی هم از موهبت استادانی به‌نام، برخوردار بوده‌ام که بیشترین تأثیر را در زمینه مطالعات فراحرفه‌ای، مدیون آقای دکتر محمدعلی موحد و دکتر **صمد موحد** استادان حقوق و ادبیات دانشگاه هستیم. خداوند حافظشان باشد.

اینها بعضی از عوامل شکل‌گیری شخصیت من بوده است، و وقتی در چنین شرایطی توفیق رشد داشتید، دیگر کار و چاره و تفریحی مفرح‌تر از صرف‌وقت، برای مطالعه ندارید.

حسابرس

کارنامه فعلی فعالیت مجله حسابرس را در حوزه مطبوعات تخصصی حسابداری و حسابرسی، چگونه می‌بینید؟ آیا به‌عنوان بانی و اولین مدیرمسئول این مجله، رضایت شما را کسب می‌کند؟ پیشنهادهای شما برای رفع کاستیها و بهبود آنها چیست؟

فاطمی

کارنامه مجله حسابرس بی‌هیچ تردیدی، قبولی است! لکن این بدان معنی نیست که باید به آن رضایت داد؛ بلکه باید همواره برای ارتقای آن و ممتازشدنش کوشید. البته مجله‌ای با خصوصیات حسابرس، خود دارای محدودیتهایی نیز هست که ارزیابی آن را باید در این چارچوب در نظر گرفت.

حسابرس

بی‌گمان اجازه خواهید داد به‌عنوان «بانی» مجله حسابرس، از شما بخواهیم که ایده‌های خود را برای داشتن طرحهای نو در سالی که مجله یکصدویکمین شماره حسابرس را منتشر خواهد کرد، با ما در میان بگذارید.

فاطمی

من خود را در جایگاهی نمی‌بینم که بخواهم به عزیزان و دست‌اندرکاران و دانشوران گرامی توصیه‌ای داشته باشم. اما به‌طور کلی پیشنهاد می‌کنم، هر کاری که موجب و باعث تشدید علاقه همکاران حرفه‌ای به مطالعه شود، انجام گیرد و فضا برای جوانان و دانشجویان عزیزی که آینده حرفه را تشکیل می‌دهند بازتر شود. از جمله، با الگوهای موفق حرفه گفتگو شود و ایشان به جامعه حرفه‌ای معرفی شوند تا موجب ترغیب و تشویق جوانان قرار گیرند. البته از بزرگان همواره باید یاد کرد چون سبب قدرشناسی و حرمت ایشان و تشویق آیندگان خواهد بود.

پیشنهاد دارم با استفاده از مطالب شماره‌های گذشته، ذکر جمیل پیش‌آهنگان و پیشکسوتان حرفه در شماره‌های آینده هم تکرار و یادآوری شود تا نسل جوان که فرصت یا امکان دسترسی و مراجعه به شماره‌های پیشین را ندارند، از آن آگاه شوند. این رسم در جوامع دیگر نیز رایج است، و تکرار محسوب نمی‌شود.

گاهی ضروری است برای تنوع و کاستن از خشکی فضای مجله به نوشتار و تحقیقات تاریخی حرفه‌ای نیز پرداخته شود و صد البته از اخبار بین‌المللی حرفه در سطح بین‌المللی و به‌خصوص منطقه‌ای نیز غفلت نگردد.

با وجودی که یک‌بار دیگر نیز در زمینه همکاریهای منطقه‌ای و آگاهی از فعالیتهای حرفه‌ای در اطراف خود پیشنهاد داشتم، کمتر دیدم که پژوهشگران بدین موضوع علاقه نشان داده باشند. البته طبیعی است چون این حرفه از غرب شروع شده و در آن بستر و محیط نیز بالیده است، بیشتر به آن سمت توجه شود، لکن نباید از پیشرفتهای و اقدامهای منطقه‌ای غافل ماند؛ چه بسا که این امر موجب رقابت سالم و پیشرفت حرفه در کشور شود. بهتر است از اقدامهای همسایه‌های خود مثل هند و پاکستان و ترکیه و دیگر کشورهای اسلامی آگاه باشیم و اطلاع به‌دست آوریم و مطالبی در این زمینه‌ها در مجله درج شود.

حسابرس

توجه دقیق و نکته‌سنجی شما به همه موضوعها و مسائل مجله چنان است که گویا هنوز مدیرمسئول مجله‌اید. می‌پذیریم که به تذکر شما درباره طرح مسائل منطقه‌ای کم توجه بوده‌ایم و کوشش می‌کنیم که این بار چیزی از رهنمودها و توصیه‌های ارزنده شما را از قلم نیندازیم. برای شما آرزوی سلامتی داریم.

